



بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری

سارا یوسف زاده^۱

قدرت الله طالب نیا^۲

جلیل بیطاری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

چکیده

هدف از این مقاله بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان و متخصصین مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده و صاحب‌نظران سازمان امور مالیاتی و مودیان شرکت‌ها بوده که با استفاده از ۳۲۸ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته و پرسشنامه‌های مستخرج شده به وسیله طیف لیکرت بررسی شده‌اند. همچنین روایی آن به وسیله آلفای کرنباخ سنجش شده و از نرم‌افزار آموس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردیده است. نتایج آزمون رابطه مالیات بر ارزش افزوده با هر یک از متغیرهای مستقل به صورت جداگانه حاکی از آن است که تمامی فرضیه‌های مطرح شده با ۹۵٪ اطمینان مورد تأیید قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش بیانگر ارتباط مستقیم مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری می‌باشد. نتایج بیانگر این است که داشتن ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل در اطلاعات حسابداری باعث می‌شود کیفیت حسابداری مالیات بر ارزش افزوده بهبود یابد. این نتایج می‌تواند به وسیله سازمان حسابرسی، سازمان امور مالیاتی، مدیران و رؤسای حسابداری و کارکنان مالی جهت انجام عملیات مالی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مالیات بر ارزش افزوده، ثبات رویه، یکنواختی، رجحان محتوا بر شکل.

۱ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sarayousefzadeh72@gmail.com

۲ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول.

Talebniya@srbiau.ac.ir

۳ گروه حسابداری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Beytari@gmail.com



۱- مقدمه

امروزه دولت‌ها به منظور تأمین هزینه‌های روزافزون خود نیازمند کسب درآمدهای بیشتری می‌باشند دولت‌ها جهت کسب درآمد روش‌های مختلفی را به کار می‌گیرند از جمله تجارت، تولید، گردشگری و غیره. اما آنچه که از دیر باز مورد استفاده حاکمان قرار می‌گرفته است مالیات است. در حال حاضر کشورهای پیشرفته دنیا به خوبی توانسته‌اند از این ابزار به خوبی استفاده کرده و درآمدهای خود را به نحو چشمگیری افزایش داده و موجبات پیشرفت هر چه بیشتر جوامع خود را فراهم نموده و آسایش بیشتری را برای شهروندان خود فراهم نمایند. یکی از شیوه‌های اخذ مالیات که در کشورهای پیشرفته به صورت گسترده و روزافزون مورد استفاده قرار می‌گیرد مالیات بر ارزش افزوده است که درآمدهای کشورهای مجری مالیات بر ارزش افزوده را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. این شیوه جدید مالیات ستانی دارای مزایای بسیار زیادی است و علت توجه زیاد کشورها به این شیوه اخذ مالیات همین امر می‌باشد.

گسترش و توسعه قابل توجه مالیات بر ارزش افزوده را شاید بتوان به عنوان مهمترین توسعه مالیاتی در اواخر قرن بیستم دانست. ۵۰ سال قبل یعنی اوایل دهه ۱۹۷۰ این مالیات چندان معروف نبود. در عوض، تمرکز اصلی برنامه اصلاح نظام مالیاتی تقریباً در کلیه کشورهای جهان در سال‌های اخیر بر روی مالیات بر ارزش افزوده معطوف شده است. برای مثال بر اساس آخرین اطلاعات موجود در اوایل سال ۲۰۰۲ این مالیات در ۱۲۳ کشور جهان با جمعیت حدود ۴ میلیارد نفر (۷۰٪ جمعیت جهان) اجرا شده است. همچنین این مالیات توانسته است در سال ۲۰۰۱ معادل ۱۸۰۰۰ میلیارد دلار درآمد برای دولت‌ها ایجاد نماید که این رقم حدود ۲۵٪ کل درآمدهای مالیاتی دولت در این کشورها بوده است.^۱ از مهمترین اهداف فعالیت‌های اقتصادی دولت مواردی از قبیل تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، ثبات اقتصادی، سطح عمومی قیمت‌ها، بهبود تجارت بین‌المللی و تراز پرداخت‌ها است.

برای انجام این وظایف دولت‌ها مجبورند هزینه‌های سنگینی را متحمل شوند. برای تأمین مالی این مخارج لازم است منابع درآمد گوناگونی مهیا شود. درآمد دولت‌ها عمدتاً به دو گروه درآمدهای مالیاتی و درآمدهای غیر مالیاتی تقسیم می‌شود. نقش درآمدهای مالیاتی در بسیاری از کشورها در مقایسه با سایر منابع درآمدی بیشتر حائز اهمیت است. به عبارت دیگر مقایسه این منبع مهم با سایر منابع حاکی از این است که هر چه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد آثار نامطلوب اقتصادی کمتر خواهد شد. به همین دلیل در کشورهای پیشرفته برخلاف کشورهای در حال توسعه مالیات‌ها در تأمین مالی مخارج دولت نقش بسیار بالایی را دارند و تقریباً قسمت عمده مخارج دولت از این طریق تأمین می‌شود. موضوع تأمین مالی هزینه‌های دولت از طریق درآمدهای عادی و مخصوصاً درآمدهای مالیاتی یکی از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر در کشورهای در حال توسعه کشور خودمان نیز مورد تأکید قرار گرفته شده است. در این زمینه بررسی عملکرد

^۱-Erbill

نظام مالیاتی کشور در سال های اخیر نشان می دهد که در تأمین درآمدهای دولت نظام مالیاتی کارایی چندانی نداشته است.

حسابداری، به عنوان یک سیستم اطلاعاتی، اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان برای تصمیم گیری را فراهم می نماید. یکی از گروه های استفاده کننده از گزارشگری مالی، دولت است که در عمل، با مقاصد مالیاتی و در جهت وضع مالیات شرکت ها این اطلاعات را بکار می گیرد. در همین راستا، ارائه اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه رکن اساسی تصمیم گیری های مالیاتی محسوب می شود. در قوانین و مقررات مالیاتی، منبع استخراج اطلاعات مالی دفاتر قانونی و مطلوبیت آن منوط به رعایت استانداردهای حسابداری است. مالیات یکی از عوامل تأثیرگذار بر رویه های حسابداری است و گزارش های مالی تهیه شده مبنای محاسبه درآمد مشمول مالیات می باشد. لیکن، با وجود تدوین سازوکارهای نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکت ها، به نظر می رسد کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در نرخ مؤثر مالیاتی می شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۷). هدف عمده گزارشگری مالی تهیه اطلاعات مفید است و از آنجا که راه های متعددی برای گزارشگری وجود دارد که بسیار هم پیچیده است. چارچوب نظری برای انتخاب یکی از راه های گزارشگری و حسابداری مالی، ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری را مشخص کرده است.

با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش ها است که در شرکت ها، آیا سیستم مالیات بر ارزش افزوده، اطلاعات را با رعایت ثبات رویه اطلاعات حسابداری تهیه می نماید یا خیر؟ آیا سیستم مالیات بر ارزش افزوده، اطلاعات را با رعایت یکنواختی اطلاعات حسابداری تهیه می نماید یا خیر؟ آیا سیستم مالیات بر ارزش افزوده، اطلاعات را با رعایت رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری تهیه می نماید یا خیر؟ بنابراین این پژوهش سعی دارد تا با طرح فرضیه های مرتبط با سوال تحقیق، در راستای پاسخگویی به این سؤال برآید.

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر این است که بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری می پردازد. از آنجا که تاکنون طبق بررسی های صورت گرفته، ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری مشاهده نشده است، این پژوهش بدیع بوده و می تواند به پیشبرد دانش نظری و تجربی در این زمینه نیز کمک نماید.

ساختار مقاله به این شرح است که ابتدا به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته می شود. سپس فرضیه ها، روش شناسی و الگوی پژوهش ارائه می گردد. در نهایت پس از بیان یافته ها، بحث و نتیجه گیری و پیشنهاد های کاربردی بیان خواهد شد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مالیات بر ارزش افزوده

مالیات یک بحث راهبردی، زیربنایی و پویاست که نقش اساسی و محوری در تحقق برنامه‌های توسعه ملی هر کشوری مانند کشور ما ایفا می‌کند. امروزه مالیات جدای از نقش اصلی خود یعنی تأمین بخشی از هزینه‌ها، به عنوان یک اهرم تأثیرگذار در اجرای سیاست‌های انبساطی و انقباضی دولت در بودجه‌بندی بخش‌های مختلف کشور مورد توجه است، بنابراین لزوم تحقق درآمدهای مالیاتی برای توسعه همه جانبه کشور بیش از پیش احساس می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۹). در کشورهای در حال توسعه، به طور معمول ۲۱ درصد و یا بیشتر درآمد بالقوه مالیاتی، وصول نمی‌شود (خسروی و پژویان، ۱۳۹۲). در اقتصاد نوظهور ایران نیز، مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند یکی از بزرگترین مشکلاتی باشد که سیستم مالیاتی با آن مواجه است (علیزاده و مطلبی، ۱۳۹۵).

در طبقه‌بندی مالیات‌ها، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات است که از ارزش افزوده بنگاه‌ها در مراحل مختلف زنجیره تولید توزیع دریافت می‌شود. این مالیات در واقع نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه‌ای را از پرداخت مالیات معاف می‌کند به عبارت دیگر مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر قیمت فروش است که بار مالیاتی آن بر دوش مصرف‌کنندگان نهایی است و بر اساس درصدی از ارزش افزوده در هر مرحله از زنجیره تولید- توزیع اخذ می‌شود (خباززاده و جهانشاد، ۱۳۹۹).

ارزش افزوده یک بنگاه از تفاوت عایدات فروش کالا یا خدمات و کل هزینه‌هایی که صرف خرید کالاها و خدمات واسطه‌ای شده است، ناشی می‌شود. در مقیاس اقتصاد ملی، تولید ناخالص ملی در واقع حاصل جمع ارزش افزوده کلیه بنگاه‌هاست، زیرا کل معاملات واسطه‌ای مساوی با ارزش فروش نهایی است. به همین دلیل، فروش نهایی برابر با ارزش کل دستمزد، نرخ بهره، سود، اجاره، استهلاک و سایر پرداخت‌ها به عوامل تولید در سطح ملی و مساوی تولید ناخالص ملی است. بر این اساس می‌توان گفت مجموع ارزش افزوده تمام بنگاه‌های بازرگانی در هر مرحله از تولید، نوع دیگری از تعریف تولید ناخالص ملی است. لذا مالیات بر ارزش افزوده، برابر مالیات بر تولید ملی است. بر این اساس، پایه مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده برابر با کل درآمد حاصل از فروش منهای هزینه خرید عوامل تولید از سایر بنگاه‌ها است که با خارج کردن خرید از سایر بنگاه‌های مالیات‌دهنده، از مالیات‌گیری چندگانه اجتناب می‌شود. به عبارت دیگر، مالیات بر کل فروش بنگاه اعمال و همزمان، اعتبار مالیاتی برای خرید از سایر بنگاه‌ها به بنگاه جدید اعطا می‌شود. بدین معنا که مالیات پرداخت شده توسط تولیدکنندگان قبلی، از مالیات بر فروش بنگاه کسر می‌گردد. بنابراین اعمال مالیات بر ارزش افزوده نیازمند فهرست کردن کل صورتحساب‌ها در بنگاه است، زیرا هر بنگاه برای دریافت اعتبار مالیاتی باید بتواند شرح مالیات پرداخت شده فروشنده قبلی را ارائه دهد. این نیاز، خریدار را تشویق می‌کند که پرداخت مالیات توسط فروشنده قبلی را مورد توجه قرار دهد (علیزاده و مطلبی، ۱۳۹۵).

۲-۲- ثبات رویه و یکنواختی در حسابداری

از آنجا که گزارش‌های مالی؛ ابزاری برای افشای اطلاعات مالی قابل اعتماد و قابل اتکاست که در دسترس عموم قرار می‌گیرد، در صورت به هنگام بودن می‌تواند از طریق کاهش اطلاعات خصوصی و محرمانه باعث کاهش احتمال گزینش نادرست توسط سرمایه‌گذاران شود. افشای اطلاعات با در دسترس کردن اطلاعات داخلی شرکت موجبات کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سرمایه‌گذاران را فراهم می‌آورد. لذا توجه به ویژگی‌های کیفی اطلاعات افشاء شده از قبیل قابلیت مقایسه و ثبات رویه حسابداری نیز اهمیت زیادی دارد. استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به طور مستمر اطلاعات مالی شرکت‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. در سیستم‌های حسابداری یکسان، قابلیت مقایسه بالاتر حسابداری برخوایسته از همگونی بیشتر در انتخاب‌ها و برآوردهای حسابداری است. حتی اگر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به طور کامل رفتارهای زیرکانه حسابداری شرکت را تشخیص دهند، ارزیابی مناسب از قابلیت مقایسه حسابداری بین شرکت‌ها دشوار خواهد بود. سرمایه‌گذاران باید درک کنند که چگونه انتخاب‌های حسابداری شرکت و خط‌مشی‌های مختلف و متعدد شرکت به خروجی‌های صورت‌های مالی منتهی می‌شود و سپس بتوانند همه این انتخاب‌ها و برآوردها را در بین شرکت‌های مشابه مقایسه کنند. تصمیمات اقتصادی شامل انتخاب از بین راهکارهای مختلف بوده و چنین تصمیمات اقتصادی از قبیل سرمایه‌گذاری، اعتباردهی و مواردی از این قبیل نمی‌تواند بدون داشتن اطلاعات قابل مقایسه صورت گیرد (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰). بنابراین تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، قابلیت مقایسه را به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مشخص نموده که تخصیص منابع را تسهیل نموده و باعث اطمینان سرمایه‌گذاران می‌گردد (کمیسون بورس اوراق بهادار، ۲۰۰۰). بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره (۸) نیز بیان می‌دارد؛ در صورتی که اطلاعات یک واحد گزارشگر با اطلاعات سایر واحدهای گزارشگر و همچنین اطلاعات سایر دوره‌های زمانی واحد گزارشگر قابل مقایسه باشند، سودمندی آنها افزایش می‌یابد (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). ثبات رویه نیز یکی از مهمترین جنبه‌های قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری بوده که منجر به بهبود قابلیت مقایسه اطلاعات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. استفاده با ثبات از روش‌های حسابداری حاوی اطلاعات مقایسه‌ای است که یک مبنایی برای مشارکت‌کنندگان بازار جهت درک عملکرد بنیادی شرکت و اخذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند. به عبارتی دیگر استفاده با ثبات از روش‌های حسابداری به سرمایه‌گذاران در درک و تفسیر بهتر نتایج عملیات و اطلاعات افشاء شده شرکت تأثیر داشته، لذا انتظار می‌رود ثبات رویه حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی داشته باشد. استفاده با ثبات و پایدار از روش‌های حسابداری به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد تا نتایج عملیاتی و افشای اطلاعات شرکت را بهتر تفسیر کنند. بنابراین باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌گردد. کاهش ثبات رویه اطلاعات باعث افزایش عدم تقارن اطلاعات می‌گردد؛ زیرا در این صورت سرمایه‌گذاران در مورد اینکه چگونه بین عملکرد واقعی شرکت و عملکرد حسابداری آن تفکیک قایل شوند، دچار ابهام و سردرگمی می‌شوند (پترسون و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهش‌های تجربی و

مبانی نظری انجام شده، سهم پژوهش‌های مرتبط با قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و ثبات رویه حسابداری به نسبت سایر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری از قبیل مربوط بودن اطلاعات حسابداری بسیار اندک است. پژوهش‌های تجربی در خصوص قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، بعد از پژوهش دی فرانکو و همکاران، (۲۰۱۱)، صورت گرفته است. یکی از مهمترین مشکلات رو در روی پژوهشگران حوزه قابلیت مقایسه و ثبات رویه حسابداری، مشکل اندازه‌گیری این دو متغیر است. تاپلین (۲۰۱۱)، در پژوهشی به معرفی روش‌های اندازه‌گیری قابلیت مقایسه در پژوهش‌های تجربی پرداخته است. به طور کلی عمده پژوهش‌های حوزه قابلیت مقایسه و ثبات رویه اطلاعات حسابداری از روش‌های کمی و خروجی محور جهت سنجش قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری استفاده نموده‌اند. یکی از جدیدترین رویکردهای معرفی شده جهت سنجش قابلیت مقایسه و ثبات رویه حسابداری، رویکرد متن کاوی (مدل فضای برداری) می‌باشد. این رویکرد، ورودی محور و مبتنی بر اطلاعات نیمه‌ساختاریافته و بدون ساختار (متنی) می‌باشد. در این رویکرد از اطلاعات متنی صورت‌های مالی از قبیل یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی جهت اندازه‌گیری قابلیت مقایسه و ثبات رویه حسابداری استفاده می‌شود.

ثبات رویه و یکنواختی در ارائه اطلاعات مالی به عنوان اهرمی مؤثر بر تصمیمات استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی موجود در صورت‌های مالی می‌باشد. منظور از یکنواخت‌سازی میزانی از هماهنگی و شباهت میان مجموعه‌ای از اطلاعات مورد عرضه به بازار سرمایه، روش‌ها و اشکال گزارشگری مالی است. یکنواختی در ارائه اطلاعات به بازار را می‌توان به دو قسمت زیر طبقه‌بندی کرد. یکنواختی درونی به معنی همسانی در اندازه‌گیری و نمایش اثرات معاملات مالی و سایر رویدادها در یک واحد تجاری فعال در تمامی دوره‌های مالی و یکنواختی بیرونی به معنی همسانی در اندازه‌گیری و نمایش اثرات معاملات مالی و سایر رویدادها بین تمامی واحدهای تجاری در تمامی دوره‌های مالی می‌باشد.

نقش اصلی گزارشگری مالی تأمین منافع عمومی از طریق تهیه و ارائه اطلاعاتی است که در انجام تصمیم‌گیری‌های مالی، اقتصادی و تجاری سودمند واقع شود. چنین اطلاعاتی ضمن فراهم آوردن زمینه فعالیت کار و اثربخشی بازارهای سرمایه، موجب می‌شود منابع محدود و کمیاب اقتصادی به گونه‌ای مؤثر و مناسب تخصیص یابد. از طرف دیگر، چارچوب گزارشگری مالی در بسیاری از واحدهای انتفاعی کشورهای مختلف جهان بر پایه ساختاری ثابت و یکنواخت استوار است. که هدف از آن ارائه اطلاعاتی سودمند به استفاده‌کنندگان جهت تصمیم‌گیری‌های صحیح مالی می‌باشد. اطلاعات مورد عرضه توسط واحدهای تجاری در صورتی مفید خواهد بود که از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی برخوردار باشد. یکی از این ویژگی‌های کیفی، مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی می‌باشد. فراهم آوردن شرایط لازم برای مقایسه اطلاعات مالی دوره‌های مختلف یک واحد تجاری، استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی را قادر می‌سازد که با مطالعه روندها، نقاط ضعف و قوت یک واحد تجاری را ارزیابی کنند.

جهت دستیابی به ارائه اطلاعاتی هماهنگ و یکنواخت، به منظور تسهیل فرآیند مقایسه اطلاعات مالی مورد عرضه توسط واحدهای تجاری، وجود یک مجموعه پیوسته از اهداف و مبنای مرتبط که بتواند ماهیت، نحوه عمل و حدود گزارشگری مالی را مشخص کند و بتواند نظام گزارشگری مالی بر پایه مجموعه ای از اصول و ضوابط معین و مشخص قرار دهد لازم می‌باشد. و این مجموعه چیزی جز استانداردهای حسابداری نمی‌باشد. این مجموعه در برگرفته رهنمودهای کلی و خط‌مشی‌های مشخص است که واحدهای اقتصادی باید در طی فرآیند شناخت، اندازه‌گیری و انتقال اطلاعات مالی به استفاده‌کنندگان رعایت کنند و این در حالی است که ماهیت این اصول، ضوابط و استانداردها در محدوده هر کشور، تابعی از نوع نظام اقتصادی، ارزش‌های فرهنگی و وضعیت اجتماعی حاکم بر آن می‌باشد. این مجموعه، همانند یک قانون پایه برای حل و فصل مسائلی که ممکن است در حوزه گزارشگری به استفاده‌کنندگان از این اطلاعات پیش آید، ملاک عمل قرار خواهد گرفت. علاوه بر موارد فوق، به تعیین حدود قضاوت حرفه‌ای در تهیه صورت‌های مالی و محدود کردن رویه‌های مختلف گزارشگری به منظور افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی کمک خواهد کرد. باید توجه داشت که رعایت ثبات رویه و یکنواختی در ارائه اطلاعات مالی به استفاده‌کنندگان همواره در چهارچوب استانداردهای حسابداری محقق می‌شود زیرا استانداردهای حسابداری با مشخص کردن روش‌ها و رویه‌ها مورد قبول باعث کاهش تنوع روش‌های و رویه‌های مورد استفاده در حوزه گزارشگری مالی شده که این جریان خود به رعایت ثبات رویه و یکنواختی کمک خواهد کرد و سرانجام قابلیت مقایسه اطلاعات مالی واحدهای تجاری را محقق خواهد ساخت.

۲-۳- رجحان محتوا بر شکل

از آن‌جا که ساختار قراردادهای مورد استفاده مالی اسلامی نسبت به مالیه مرسوم متفاوت هستند، برخی بر این عقیده‌اند که ارائه تصویری شفاف از وضعیت مالی نهادهای اسلامی تنها با تدوین مجموعه متفاوتی از استانداردهای حسابداری میسر خواهد شد. سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی بزرگ‌ترین حامی این تفکر محسوب می‌گردد. رویکرد این سازمان پذیرش اصول پذیرفته‌شده حسابداری به استثناء مواردی است که با شریعت در تضاد هستند. بنابراین، برخلاف مفاهیمی چون به موقع بودن، قابلیت اتکا و قابل فهم بودن، دو مفهوم کلیدی رجحان محتوا بر شکل و ارزش زمانی پول را مقبول نمی‌داند (سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، ۱۳۸۹). به طور خاص، این سازمان استفاده از مفهوم رجحان محتوا بر شکل در به طبقه‌بندی اجاره‌ها به عملیاتی و سرمایه‌ای را مغایر شریعت اسلام می‌داند. بدین ترتیب، صورت‌های مالی آماده شده بر اساس استانداردهای حسابداری مالی با صورت‌های مالی آماده شده بر اساس استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، تفاوت چشم‌گیری خواهند داشت (ساسانی و همکاران، ۱۳۹۷). کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی در پاراگراف ۳۵ "چارچوب آماده‌سازی و ارائه صورت‌های مالی" به مفهوم رجحان محتوا بر شکل می‌پردازد:

"ارائه مطلوب معاملات و رویدادهای منوط به حسابداری و ارائه آن‌ها بر اساس محتوا و واقعیت فیزیکی آن‌ها می‌باشد و نه توجه صرف به شکل قانونی" (کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی، ۱۹۸۹). در عین حال، هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی بابیان استدلال زیر، رجحان محتوا بر شکل را از فهرست ویژگی‌های کیفی خارج نموده است.

اطلاعات تنها در صورتی از یک پدیده اقتصادی ارائه مطلوبی خواهند داشت که ماهیت اقتصادی معامله یا رویداد مورد نظر را به تصویر بکشند، که اغلب و نه همیشه با شکل قانونی آن یکسان است. بنابراین، از آنجایی که ارائه مطلوب با اطلاعاتی که شکل قانونی را بر محتوا مقدم می‌دانند در تضاد است، احتساب آنچه رجحان محتوا بر شکل نامیده می‌شود به عنوان یک ویژگی کیفی مجزا ضرورتی ندارد (هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی، ۲۰۰۶).

یکی از موضوعات مهم در مورد نظام حسابداری مالیاتی، کاربرد و استفاده از آن برای واحدهای اقتصادی، مسئولین، دواير مالیاتی و هماهنگی لازم برای وحدت نظام حسابداری می‌باشد. به عبارت دیگر لازم است نظام حسابداری مورد قبول سازمان مالیاتی با شیوه و نظام حسابداری رایج و معمول در شرکت‌ها و واحدهای اقتصادی هماهنگ باشد. بنابراین باید در طراحی نظام حسابداری مالیاتی به این موضوع توجه شود.

برای مثال در برخی از کشورها مانند ژاپن در نظام حسابداری مالیاتی مورد قبول سازمان مالیاتی و حسابداری مالی واحدهای اقتصادی هماهنگی و وحدت کامل مشاهده می‌شود که این امر علاوه بر بحث شفافیت باعث سادگی و تسریع در امور محاسبات نیز می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت ارتباط نزدیکی بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری مشاهده می‌شود، به طوری که تأثیرگذاری مقررات مالیاتی یا مالیات بر ارزش افزوده بر اصول حسابداری و متغیرهای این پژوهش، بیش از سایر کشورها است.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده می‌توان گفت که مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری رابطه مستقیم دارد. مستقیم از آن جهت که اگر شرکت اطلاعات حسابداری خود را با ثبات رویه و یکنواخت ارائه نماید و رجحان محتوا بر شکل را رعایت نکند، مشمول کلیه جریمه‌های مالیات بر ارزش افزوده خواهد شد که این خود دلیلی بر منظم بودن شرکت‌ها می‌شود.

۳- پیشینه پژوهش

موضوع این پژوهش بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری است. مطالعه‌هایی که ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری را با مالیات بر ارزش افزوده شرکت‌ها بررسی نموده باشد، یافت نشد، لذا به پژوهش‌هایی که نزدیک به حوزه این مطالعه هستند در قالب پژوهش‌های مربوط به مالیات بر ارزش افزوده شرکت‌ها و اهرم مالی، ویژگی کیفی، کارایی زیست محیطی و ... اشاره می‌شود تا الگوی پژوهش و انتخاب متغیرها تبیین شود.

ارتینلی و همکاران (۲۰۲۰)، کارایی زیست‌محیطی سیستم‌های تولید طیور را با استفاده از ارزش افزوده اقتصادی ارزیابی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که درآمد خالص عملیاتی و سرمایه به کار رفته متغیرهایی با بیشترین و کمترین تأثیر بر ارزش افزوده اقتصادی در انواع تولید هستند.

زو و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی اثرات مالیات بر ارزش افزوده بر اهرم مالی در شرکت‌های چینی بعد از اصلاحیه سال ۲۰۰۷ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بعد از اصلاحیه مالیات بر ارزش افزوده نسبت بدهی بلندمدت افزایش یافته است ولی نسبت بدهی کوتاه‌مدت کاهش یافته است.

سامت و جارویی (۲۰۱۷)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا مالیات بر ارزش افزوده، می‌تواند کارایی سرمایه‌گذاری آنان را تحت تأثیر قرار دهد؟ نتایج این پژوهش نشان داد که مالیات بر ارزش افزوده بر سطح سرمایه‌گذاری شرکت اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد مالیات بر ارزش افزوده با کاهش بیش و کم سرمایه‌گذاری، کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد.

لو و کائو (۲۰۱۷)، به بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر عملکرد مالی شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری عملکرد از نرخ بازده دارایی‌ها و معیار کیوتوبین استفاده شده است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مالیات بر ارزش افزوده بر عملکرد شرکت (نرخ بازده دارایی‌ها و معیار کیوتوبین) اثر مثبت و معناداری دارد.

پوریتی و همکاران (۲۰۱۵)، به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و کارایی سرمایه‌گذاری در اروپای غربی پرداختند. آنها دریافتند که بین اجتناب مالیاتی و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که اجتناب مالیاتی منجر سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود ولی کم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

کریمی و خطیبی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر ثبات اقتصاد بخش عمومی در ایران (با رویکرد ارتقای اخلاق و فرهنگ مالیاتی) پرداختند. نتایج حاصل از برآورد الگوهای پژوهش حکایت از آن دارد که مالیات بر ارزش افزوده از طریق ایجاد کاهش در نوسانات درآمدهای مالیاتی و نوسانات کسری بودجه دولت در ایران در تأمین و ایجاد ثبات در اقتصاد بخش عمومی کشور مؤثر و مفید بوده و این موضوع با تثبیت و گسترش فعالیت‌های بخش عمومی موجب تحقق رفاه بیشتر برای عموم افراد جامعه و همچنین بهبود فرهنگ و اخلاق مالیاتی در کشور می‌گردد.

حاجی حسینی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان دادند که مالیات بر ارزش افزوده بر کارایی سرمایه‌گذاری اثر مثبت و معناداری دارد. علاوه بر این، مشخص شد که مالیات بر ارزش افزوده بر بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری اثر منفی و معناداری داشته و کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. این نتایج مبین اهمیت و اثربخشی مالیات بر ارزش افزوده در دستیابی به یک سرمایه‌گذاری بهینه و کارآمد برای شرکت است. رضایی منش و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی رابطه بین مالیات بر

ارزش افزوده و ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور، ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ویژگی‌های (مربوط بودن، به موقع بودن، قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی، ارزش بازخورد (قابل مقایسه بودن)، ثبات رویه، یکنواختی (قابل اتکاء بودن) بی‌طرفی، بیان صادقانه، رجحان محتوا بر شکل، کامل بودن، احتیاط در اطلاعات حسابداری) مورد مطالعه قرار دادند. با توجه به ادبیات نظری و پژوهش‌های انجام شده، فرضیه‌های پژوهش جهت بررسی رابطه متغیر وابسته (مالیات بر ارزش افزوده) با متغیرهای مستقل مربوط بودن، به موقع بودن، قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی، ارزش بازخورد (قابل مقایسه بودن) ثبات رویه، یکنواختی (قابل اتکاء بودن) بی‌طرفی، بیان صادقانه، رجحان محتوا بر شکل، کامل بودن، مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون رابطه مالیات بر ارزش افزوده با هر یک از متغیرهای مستقل به صورت جداگانه بررسی کرده و نتایج نشان می‌دهد که تمامی فرضیه‌های مطرح شده با ۵۹٪ اطمینان مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

اسعدی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی اثر محتوای نسبی و فزاینده اطلاعاتی ارزش افزوده اقتصادی را در مقایسه با معیارهای سنتی، مانند بازده حقوق صاحبان سهام، سود خالص پس از کسر مالیات و سود هر سهم بر ارزش افزوده بازار، معیار مطلوبی برای ارزیابی عملکرد شناسایی کرده و مورد بررسی قرار دادند. فرضیه‌های این پژوهش با استفاده از ساختار داده‌های ترکیبی و مدل‌های اقتصادسنجی مربوطه، برای نمونه‌ای شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محتوای اطلاعاتی ارزش افزوده اقتصادی نسبت به بازده حقوق صاحبان سهام، سود خالص پس از کسر مالیات و سود هر سهم در بیان تغییرات ارزش افزوده بازار برتری ندارد، اما ورود همزمان ارزش افزوده اقتصادی در کنار معیارهای سنتی، توان توضیحی ارزش افزوده بازار را افزایش می‌دهد. به گفته‌ای، ارزش افزوده اقتصادی دارای محتوای اطلاعاتی فزاینده است.

بهرام فر و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده و ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری با نمونه‌ای متشکل از ۲۱۹ پرسشنامه بین مدیران مالیاتی و شرکت‌های مختلف در استان مرکزی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مابین ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری با مالیات ارزش افزوده رابطه مستقیم وجود دارد.

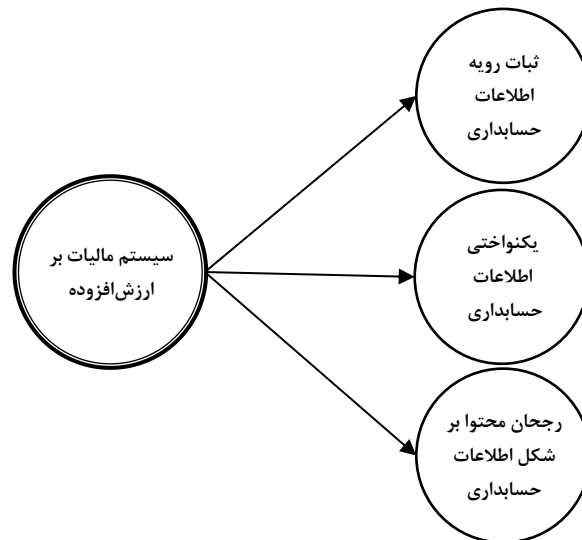
۴- فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از مبانی نظری، پیشینه‌های داخلی و خارجی و الگوی مفهومی پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

- ۱) بین اجرای مالیات بر ارزش افزوده و ثبات رویه اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲) بین اجرای مالیات بر ارزش افزوده و یکنواختی اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود دارد
- ۳) بین اجرای مالیات بر ارزش افزوده و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش و الگوی پژوهش

این پژوهش از یک سو از جمله تحقیقات میدانی است که با طی مراحل روش علمی پژوهش، شامل بیان مساله، فرضیه‌ها، جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها و دست آخر تهیه گزارش پژوهش صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر، یک پژوهش پیمایشی است که ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در آن فیش‌برداری از منابع مکتوب و شبکه‌های اینترنت و همچنین پرسشنامه می‌باشد، که پرسشنامه مبتنی بر اظهار نظر کارشناسان و متخصصین مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده و متخصصین امور مالی می‌باشد. الگوی مفهومی پژوهش بر اساس مبانی نظری ارائه شده در خصوص متغیرها، رابطه علی و همچنین تأثیر متقابل آنها طراحی شده است. شکل ۱ این الگو را تبیین می‌کند:



شکل ۱- الگوی مفهومی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جامعه آماری در این پژوهش شامل کارشناسان و متخصصین مالیاتی مالیات بر ارزش افزوده و مالیاتی و مودیان شرکت‌ها می‌باشد.

در این پژوهش پس از آنکه تعداد نمونه آماری از طریق فرمول‌های برآورد نمونه آماری، مشخص شدند، نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی انتخاب شده‌اند و از میان روش‌های متعدد در این روش، از روش نمونه‌گیری اتفاقی استفاده شده است.

داده‌های این پژوهش که از ۳۲۸ پرسشنامه از مودیان بزرگ در استان تهران، کارشناسان و صاحب‌نظران بخش مالیات بر ارزش افزوده شاغل در حوزه مالیات بر ارزش افزوده و کارشناسان و صاحب‌نظران در بخش‌های شاغل در حوزه مالیاتی در سال ۱۳۹۹ تهیه شده، با استفاده از نرم‌افزار آموس بررسی و نتیجه‌گیری شده است. همچنین با توجه به اینکه فرضیه‌های پژوهش رابطه بین متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهند، بنابراین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون آن‌ها از مدل همبستگی استفاده می‌شود. این پژوهش از یک سو از جمله پژوهش‌های میدانی است که با طی مراحل روش علمی پژوهش، شامل بیان مساله، فرضیه‌ها، جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها و دست آخر تهیه گزارش پژوهش صورت پذیرفته است. از سوی دیگر، این پژوهش پیمایشی است که ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در آن فیش برداری از منابع مکتوب و شبکه‌های اینترنت و همچنین پرسشنامه می‌باشد.

در این پژوهش، پژوهشگر با طرح پرسش‌های لازم در مجموعه‌ای به صورت پرسشنامه محقق ساخته که از طریق گفتگو با کارشناسان مالیاتی، استادان صاحب‌نظر دانشگاه و حسابداران مودیان مالیاتی شرکت‌های بزرگ، اطمینان بیشتری حاصل نموده است، اطلاعات لازم را از نمونه‌های انتخاب شده جمع‌آوری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای موجود به تکمیل اطلاعات پرداخته است.

سؤالات در پرسشنامه این پژوهش به دو بخش تفکیک شده است. بخش اول شامل مشخصات فردی که شامل ۴ پرسش در مورد اطلاعات شخصی (سمت، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی و سابقه کار) می‌باشد. بخش دوم که شامل سوالات تخصصی می‌باشد. پرسش‌های مربوط به بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری شامل ۲۳ پرسش بوده است که جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش به کار رفته است.

برای اندازه‌گیری متغیرها در این پژوهش از مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافق، نسبتاً موافق، مخالف و کاملاً مخالف) استفاده شده است. با توجه به این که در این مقیاس اندازه‌گیری، پاسخ‌ها به صورت کیفی بوده، لذا برای تبدیل آنها به پاسخ‌های کمی برای هر کدام از گزینه‌ها، ضریب ۱ تا ۵ اختصاص داده شده است و ضریب مقداری اهمیت در ضرایب مقدار فراوانی ضرب شده است.

در این پژوهش از روش روایی محتوایی استفاده شده است. اعتبار محتوایی یک ابزار اندازه‌گیری به سؤال-های تشکیل‌دهنده آن بستگی دارد. اگر سؤال‌های ابزار، معرف ویژگی‌ها و مهارت‌های ویژه‌ای باشد که محقق قصد اندازه‌گیری آنها را داشته باشد، آزمون دارای اعتبار محتوا است. اعتبار محتوایی یک آزمون معمولاً توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود (فرهنگی و صفر زاده، ۱۳۸۷). برای تعیین روایی پرسشنامه، پژوهشگر با مراجعه به استادان دانشگاه، کارشناسان و صاحب‌نظران مالیاتی بخش مالیات بر ارزش افزوده، حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی و مدیران امور مالی شرکت‌های مودی، نظرات و راهنمایی‌های آنها را اخذ نمود، آنگاه براساس این نظرات، روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش به منظور سنجش اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از نرم‌افزار

آموس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردیده که مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای این پرسشنامه ۰/۹۲۲ است که نشان دهنده این است که این پرسشنامه از اعتبار بسیار بالایی برخوردار است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۸).

تعیین پایایی پرسشنامه به روش تعیین ضریب آلفای کرونباخ: با توجه به این که در این پرسشنامه از یک طیف پنج گزینه‌ای استفاده شده است، لذا استفاده از روش آلفای کرونباخ مناسب می‌باشد.

روش آلفای کرونباخ بر همسانی درونی اجزا آزمون تأکید دارد. باید یادآور شد که روش‌های مبتنی بر همسانی درونی، بر همسانی یا یکنواختی اجزای تشکیل دهنده آزمون، که در اینجا سؤالات می‌باشند، تأکید دارند. در این روش از فرمول ۱ جهت تعیین ضریب پایایی آلفا استفاده می‌شود:

$$r_a = \left(\frac{K}{K-1} \right) * \left(1 - \frac{\sum \sigma^2}{\sigma^2} \right) \quad (1)$$

که در آن r_a ضریب پایایی کل آزمون بوده و k تعداد سؤالات را مشخص می‌کند. همچنین σ^2 واریانس نمرات سؤالات بوده و σ^2 واریانس کل سؤالات پرسشنامه می‌باشد.

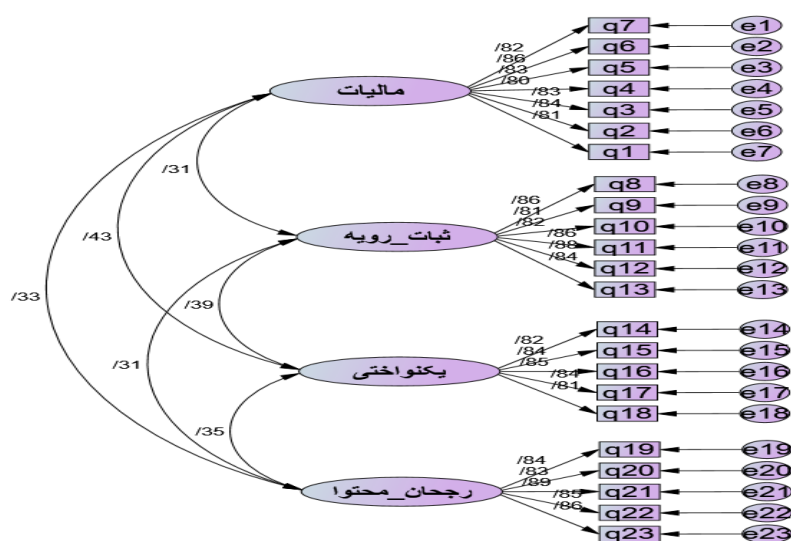
۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- تحلیل عاملی تأییدی سازه‌های پرسشنامه

ابتدا برای ورود به معادلات ساختاری باید ابزارهای پژوهش جهت تعیین اعتبار سازه مورد تحلیل تأییدی قرار گیرد. برای تأیید هر یک از متغیرها همچنین گویه‌های مربوط به هر یک از آنها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. در واقع تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین تناسب مدل اندازه‌گیری به کار می‌رود. تحلیل عاملی تأییدی در واقع یک مدل آزمون تئوری است، که در آن پژوهشگر تحلیل خود را با یک فرضیه قبلی آغاز می‌کند. این مدل که مبتنی بر یک شالوده تجربی و نظری قوی است، مشخص می‌کند که کدام متغیرها با کدام عامل‌ها و کدام عامل‌ها با عوامل دیگر همبسته شود. همچنین برای ارزشیابی اعتبار سازه نیز یک روش قابل اعتماد به پژوهشگر عرضه می‌کند تا از این طریق بتواند به گونه بارزی فرضیه‌هایی را درباره ساختار عاملی داده‌ها که ناشی از یک مدل از پیش تعیین شده با تعداد و ترکیب مشخصی از عامل‌هاست، بیازماید. روش تأییدی از طریق تعیین برازندگی مدل عاملی از پیش تعیین شده، تطابق بهینه ساختارهای عاملی مشاهده شده و نظری را برای مجموعه داده‌ها آزمون می‌کند. در واقع تحلیل عاملی تأییدی این مهم را آزمون می‌کند که آیا سؤالاتی که برای سنجش متغیر مکنون مربوطه طراحی شده است، با توجه به داده‌های گردآوری شده به خوبی توانسته‌اند آن متغیر مد نظر را بسنجند یا خیر.

۲-۶- تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش

در این بخش از پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول اعتبار سؤالات پرسشنامه مربوط به متغیرهای پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است. نمودار زیر ضرایب بارعاملی استخراج شده را در حالت استاندارد را نشان می‌دهد.



شکل ۲- ضرایب بار عاملی استاندارد شده مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول متغیرهای پژوهش

با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از $0/05$ می‌باشد. بنابراین در سطح $\alpha=0.05$ رابطه معناداری بین متغیر وابسته (رجحان محتوا بر اطلاعات حسابداری) با متغیر مستقل (اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده) وجود دارد و فرض خطی بودن مدل تأیید می‌شود.

۳-۶- بارعاملی استاندارد شده و آزمون معناداری آن

از مدل اندازه‌گیری ضرایب استاندارد شده می‌توان این برداشت را نمود که بین متغیرهای مکنون مربوطه و شاخص‌های متناظر با آنها، همبستگی معناداری وجود دارد یا خیر. ضرایب استاندارد شده، در واقع بیانگر ضرایب مسیر یا بارهای عاملی استاندارد شده بین عامل‌ها و نشانگرها می‌باشد. برای داشتن روایی باید بین سازه و شاخص‌های مربوطه، همبستگی معناداری وجود داشته باشد. در صورتی که بار عاملی استاندارد شده بالاتر از $0/4$ باشد، می‌توان گفت سؤالات مورد نظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار است. مقادیر بحرانی CR

معنادار بودن هر یک از پارامترهای را نشان می‌دهد و چنانچه مقدار CR بزرگتر از قدر مطلق عدد ۱/۹۶ باشد، پارامترهای مدل معنادار هستند.

جدول ۱- بار عاملی استاندارد شده و سطح معناداری آزمون بین سؤالات و متغیرهای مکنون

نتیجه	آلفای کرونباخ	سطح معناداری	مقدار بحرانی (CR)	ضریب استاندارد	سوالات پرسش‌نامه	متغیرها
مطلوب	۰/۹۳۸	-	-	۰/۸۱۳	۱Q	مالیات بر ارزش افزوده
مطلوب		***	۱۴/۱۳۶	۰/۸۴۴	۲Q	
مطلوب		***	۱۴/۹۳۷	۰/۸۳۲	Q3	
مطلوب		***	۱۴/۶۲۳	۰/۷۹۶	Q4	
مطلوب		***	۱۳/۷۱۰	۰/۸۳۲	Q5	
مطلوب		***	۱۴/۶۲۸	۰/۸۵۸	Q6	
مطلوب		***	۱۵/۳۲۹	۰/۸۱۸	Q7	
مطلوب	۰/۹۳۷	-	-	۰/۸۶۰	Q8	ثبات رویه در اطلاعات حسابداری
مطلوب		***	۱۵/۰۵۰	۰/۸۰۸	Q9	
مطلوب		***	۱۵/۵۰۵	۰/۸۲۳	Q10	
مطلوب		***	۱۶/۷۳۷	۰/۸۵۹	Q11	
مطلوب		***	۱۷/۶۰۵	۰/۸۸۳	Q12	
مطلوب		***	۱۵/۹۲۳	۰/۸۳۵	Q13	
مطلوب	۰/۹۱۸	-	-	۰/۸۱۷	Q14	یکنواختی در اطلاعات حسابداری
مطلوب		***	۱۴/۵۳۵	۰/۸۴۲	Q15	
مطلوب		***	۱۴/۶۲۲	۰/۸۴۶	Q16	
مطلوب		***	۱۴/۵۹۷	۰/۸۴۵	Q17	
مطلوب		***	۱۳/۸۱۳	۰/۸۱۳	Q18	
مطلوب	۰/۹۳۱	-	-	۰/۸۴۰	Q19	رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری
مطلوب		***	۱۵/۱۷۴	۰/۸۳۴	Q20	
مطلوب		***	۱۶/۷۹۳	۰/۸۸۷	Q21	
مطلوب		***	۱۵/۶۱۳	۰/۸۴۹	Q22	
مطلوب		***	۱۶/۱۰۳	۰/۸۶۵	Q23	

خطوط تیره در مقادیر تی نشان‌دهنده ثابت کردن آن پارامتر در مدل می‌باشد.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقدار بار عاملی استاندارد شده برای تمامی سؤالات بیشتر از $0/4$ می‌باشد و با توجه به اینکه تمامی اعداد معناداری (CR) بین گویه‌ها با متغیرهای مکنون مربوطه بیشتر از عدد $1/96$ و سطح معناداری آنها کمتر از سطح خطای $0/05$ بدست آمده است، می‌توان گفت روایی سازه‌های اندازه‌گیری متغیرهای مربوطه در سطح معناداری $0/05$ تأیید می‌شود. بنابراین نیاز به تغییر یا حذف سؤالی در مدل و پرسشنامه پژوهش احساس نمی‌شود. نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای همه متغیرهای پژوهش آورده شده است و همانطور که نمایان است مقدار ضریب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بیشتر از $0/7$ بدست آمده است.

۴-۶- شاخص‌های برازش مدل

جهت تأیید مدل تحلیل عاملی و مستند بودن نتایج حاصله لازم است تا شاخص‌های برازش مدل در حد قابل قبول قرار گیرد. در جدول ۲ شاخص‌های مورد استفاده به همراه مقادیر آن آمده است.

جدول ۲- نتایج شاخص‌های برازش مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول

مقدار بدست آمده	میزان استاندارد	ناحیه قابل قبول	نماد لاتین	شاخص‌های بررسی شده
۱/۲۰۸	کارمینز و مکلاور (۱۹۸۱)	کمتر از ۳	(x ² /df)	کای اسکوتر/درجه آزادی
۰/۰۳۱	هایر و همکاران (۱۹۹۸)	کمتر از ۰/۰۸	(RMSEA)	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
۰/۹۸	بنتلر و بونت (۱۹۸۰)	بیشتر از ۰/۹	(CFI)	برازش مقایسه‌ای
۰/۹۸		بیشتر از ۰/۹	(IFI)	برازش فزاینده
۰/۹۰	اتزادی و فروهمند (۱۹۹۶)	بیشتر از ۰/۸	(GFI)	نیکویی برازش

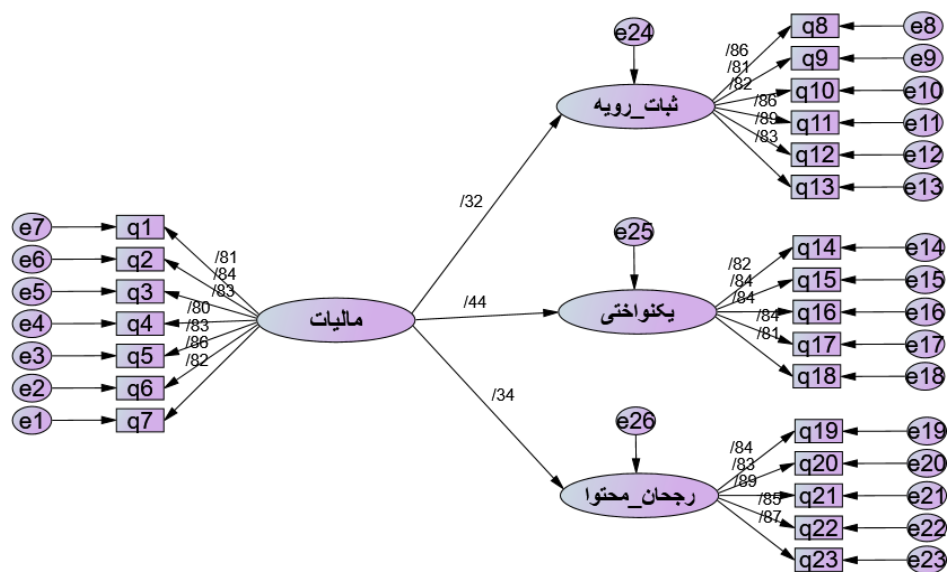
منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، در مدل تحلیل عاملی مرتبه اول مقدار کای دو به درجه آزادی $1/208$ و کمتر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با $0/031$ و کمتر از $0/08$ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) و شاخص نیکویی برازش (GFI) همگی در حد مناسبی محاسبه شده است. بنابراین در حالت کلی و با توجه به شاخص‌های محاسبه شده می‌توان برازش مطلوب مدل را نتیجه گرفت. جدول ۲ نشان می‌دهد که تحلیل عاملی تأییدی سازه‌های پرسشنامه به کار برده شده دارای برازش مناسب بوده و سازه‌های پرسشنامه به خوبی متغیرهای مربوطه را نشان می‌دهند.

نتیجه: تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که میزان بار عاملی بین سؤالات پرسشنامه و متغیرهای مکنون مربوط به خود به لحاظ آماری معنادار بوده و نیاز به حذف یا تغییر در سؤالات پرسشنامه وجود ندارد. همچنین نتایج شاخص‌های برازش مدل و همچنین مقدار آلفای کرونباخ در سطح مطلوب و قابل استنادی قرار دارد. بنابراین با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده و با احتمال ۹۵ درصد می‌توان اظهار نظر کرد که سؤالات پرسشنامه در واقع همان چیزی را می‌سنجد که مد نظر ما می‌باشد.

۶-۵- تجزیه و تحلیل فرضیات پژوهش

پس از بررسی مناسبیت ابزار اندازه‌گیری با تکنیک تحلیل عاملی تأییدی در این بخش از پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر به بررسی فرضیات مطرح شده پرداخته شد. مدلسازی معادلات ساختاری یکی از روش‌های پیچیده آماری است که این امکان را ایجاد نموده که بتوان تأثیر همزمان چند متغیر بر یکدیگر را بررسی نمود. لذا مدلی شامل چهار متغیر مالیات بر ارزش افزوده، ثبات رویه در اطلاعات حسابداری، یکنواختی در اطلاعات حسابداری و رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری در نرم‌افزار آموس وارد شد. نمودار ۳ مدل پژوهش بر اساس ضرایب مسیر استاندارد شده را نشان می‌دهد.



شکل ۳- مدل تحقیق در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

جدول ۳- نتایج حاصل از بررسی رابطه بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا
بر شکی در اطلاعات حسابداری

نتیجه	ضریب مسیر استاندارد	سطح معناداری	مقدار بحرانی (CR)	فرضیه‌ها
تأیید شد	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰	۴/۴۷۲	مالیات بر ارزش افزوده ← ثبات رویه در اطلاعات حسابداری
تأیید شد	۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	۶/۶۰۴۹	مالیات بر ارزش افزوده ← یکنواختی در اطلاعات حسابداری
تأیید شد	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰	۴/۷۵۴	مالیات بر ارزش افزوده ← رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

➤ **فرضیه اول:** مالیات بر ارزش افزوده تأثیر معناداری بر ثبات رویه در اطلاعات حسابداری دارد. همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌کنید، مقدار آماره بحرانی (CR) بین مالیات بر ارزش افزوده و ثبات رویه در اطلاعات حسابداری از حد مرزی ۱/۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰/۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است. بنابراین می‌توان اظهارنظر کرد که وجود تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر ثبات رویه در اطلاعات حسابداری با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰/۳۱۹ بدست آمده است می‌توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در مالیات بر ارزش افزوده شاهد افزایش در ثبات رویه در اطلاعات حسابداری به اندازه ۰/۳۱۹ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر مذکور رد می‌شود و فرض یک مبنی بر وجود اثرگذاری مالیات بر ارزش افزوده بر ثبات رویه در اطلاعات حسابداری پذیرفته می‌شود.

➤ **فرضیه دوم:** مالیات بر ارزش افزوده تأثیر معناداری بر یکنواختی در اطلاعات حسابداری دارد. همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌کنید، مقدار آماره بحرانی (CR) بین مالیات بر ارزش افزوده و یکنواختی در اطلاعات حسابداری از حد مرزی ۱/۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰/۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است. بنابراین می‌توان اظهارنظر کرد که وجود تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر یکنواختی در اطلاعات حسابداری با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰/۴۳۸ به دست آمده است می‌توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در مالیات بر ارزش افزوده شاهد افزایش در یکنواختی در اطلاعات حسابداری به اندازه ۰/۴۳۸ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر مذکور رد می‌شود و فرض یک مبنی بر وجود اثرگذاری فرضیه سوم: مالیات بر ارزش افزوده تأثیر معناداری بر رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری دارد. مالیات بر ارزش افزوده بر یکنواختی در اطلاعات حسابداری پذیرفته می‌شود.

➤ **فرضیه سوم:** مالیات بر ارزش افزوده تأثیر معناداری بر رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری دارد. همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌کنید، مقدار آماره بحرانی (CR) بین مالیات بر ارزش افزوده و رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری از حد مرزی ۱/۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰/۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است. بنابراین می‌توان اظهارنظر کرد که وجود تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰/۳۴۱ بدست آمده است می‌توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در مالیات بر ارزش افزوده شاهد افزایش در رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری به اندازه ۰/۳۴۱ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر مذکور رد می‌شود و فرض یک مبنی بر وجود اثرگذاری مالیات بر ارزش افزوده بر رجحان محتوا در اطلاعات حسابداری پذیرفته می‌شود.

۷- بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بحث در خصوص بررسی ارتباط بین مالیات بر ارزش افزوده با ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری پرداخته شد. با توجه به فرضیه‌های پژوهش بین اجرای مالیات بر ارزش افزوده و ثبات رویه اطلاعات حسابداری رابطه معنی‌داری وجود دارد. در فرضیه اول پرسش به عنوان عامل‌های تعیین‌کننده مطرح شدند. با توجه به ضریب همبستگی بدست آمده بین مالیات بر ارزش افزوده و ثبات رویه اطلاعات حسابداری که برابر ۰/۹۸۸ می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری که کمتر از ۵٪ است، می‌توان نتیجه گرفت که با ۹۵٪ اطمینان فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود به عبارت دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و ثبات رویه همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین محاسبه شده نیز عدد ۰/۹۷۷ را نشان می‌دهد که عدد بالایی می‌باشد و برازش مناسبی را نشان می‌دهد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش رضایی منش و همکاران (۱۳۹۴)، هم راستا می‌باشد. در فرضیه دوم پژوهش بین اجرای مالیات بر ارزش افزوده و یکنواختی اطلاعات حسابداری رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی بدست آمده بین مالیات بر ارزش افزوده و یکنواختی اطلاعات حسابداری که برابر ۰/۹۸۹ می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری که کمتر از ۵٪ است می‌توان نتیجه گرفت که با ۹۵٪ اطمینان فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود به سخن دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و یکنواختی همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین محاسبه شده نیز عدد ۰/۹۷۷ را نشان می‌دهد که عدد بالایی می‌باشد و برازش مناسبی را نشان می‌دهد که نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش رضایی منش و همکاران (۱۳۹۴)، هم‌سو و هم‌جهت می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در فرضیه سوم پژوهش بین اجرای مالیات بر ارزش افزوده و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی بدست آمده بین مالیات بر ارزش افزوده و رجحان محتوا بر شکل اطلاعات حسابداری که برابر ۰/۹۴۱ می‌باشد و همچنین سطح معنی‌داری که کمتر

از ۵٪ است. می‌توان نتیجه گرفت که با ۹۵٪ اطمینان فرض H0 رد و فرض H1 پذیرفته می‌شود به سخن دیگر بین مالیات بر ارزش افزوده و رجحان محتوا بر شکل همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین محاسبه شده نیز عدد ۰/۸۸۶ را نشان می‌دهد که عدد بالایی می‌باشد و برازش مناسبی را نشان می‌دهد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش رضایی منش و همکاران (۱۳۹۴) و اسعدی و همکاران (۱۳۹۲)، هم‌راستا می‌باشد. نتایج بیانگر این است که داشتن ثبات رویه، یکنواختی و رجحان محتوا بر شکل در اطلاعات حسابداری باعث می‌شود کیفیت حسابداری مالیات بر ارزش افزوده بهبود یابد. این نتایج می‌تواند به وسیله سازمان حسابرسی، سازمان امور مالیاتی، مدیران و روسای حسابداری و کارکنان مالی جهت انجام عملیات مالی مورد استفاده قرار گیرد. پیشنهادهایی مبتنی بر یافته‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- ۱) مؤسسات آموزشی، سازمان حسابرسی، انجمن حسابداران خیره، جامعه حسابداران رسمی و سازمان امور مالیاتی ضمن برگزاری سمینارها و نشست‌های حرفه‌ای مشکلات موجود بر سر راه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده را بررسی نموده و راه‌حل‌های پیشنهادی را ارائه دهند تا مؤدیان به صورت بهتری بتوانند اطلاعات لازم را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند.
- ۲) به مدیران و رؤسای حسابداری و کارکنان مالی پیشنهاد می‌شود که جهت تصمیم‌گیری‌های مالی بر اطلاعات حسابداری منتج از گزارشات خروجی سیستم جهت پیش‌بینی‌های خود استفاده نمایند.
- ۳) طراحی سیستم‌های حسابداری مناسب با فناوری جدید و دستورالعمل‌ها و موازین متناسب با آن‌ها توصیه می‌شود تا مؤدیان دچار سردرگمی نشوند.

فهرست منابع

- ۱) ارشدی، علی، سیدعباس نجفی‌زاده و مهدوی، (۱۳۹۱)، "تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر قیمت‌ها در ایران"، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵۸، صص ۱۵۷-۱۲۷.
- ۲) آقای، محمد علی و بهروز حسن‌زاده، (۱۳۹۷)، "مقایسه‌پذیری حسابداری و تأثیر آن بر کارایی سرمایه‌گذاری"، دانش حسابداری، شماره ۲، صص ۳۴-۷.
- ۳) اسعدی، عبدالرضا، احمد زنده‌دل و کیانی نژاد، (۱۳۹۲)، "رابطه محتوای اطلاعاتی ارزش افزوده اقتصادی و معیارهای سنتی با ارزش افزوده بازار شرکت‌ها"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰(۲)، صص ۱-۱۸.
- ۴) انصاری سامانی، حبیب و راضیه‌السادات داوودی، (۱۳۹۶)، "بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر تورم در استان‌های ایران (۱۳۸۷-۱۳۹۲)"، اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، شماره ۱۳، صص ۱۱۱-۸۶.
- ۵) انصاری، عبدالمهدی، مهدی بهارمقدم و عباسی، (۱۳۹۱)، "تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر سودآوری، سرمایه و منابع مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰، صص ۹۳-۸۳.

- ۶) بابائی، فاطمه، حسین جهانگیری کلوری و پیکانی، (۱۳۹۶)، "بررسی تجربی پیامدها و چالش‌های اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده (VAT) در نظام مالیاتی ایران"، دوفصلنامه علمی- پژوهشی حسابداری دولتی، ۳(۲)، صص ۴۳-۵۸.
- ۷) برادران حسن زاده، رسول، یونس بادآور نهنندی و نگهبان، (۱۳۹۳)، "تأثیر محدودیت مالی و هزینه‌های نمایندگی بر کارایی سرمایه‌گذاری"، پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۱، صص ۱۰۶-۸۶.
- ۸) پژوهش‌های جمشید، (۱۳۸۰)، "بررسی تبعات اقتصادی مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی، سال اول، شماره اول.
- ۹) تقی‌زاده خانقاه، وحید و مهدی زینالی، (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر کارایی سرمایه‌گذاری و نوآوری"، حسابداری سلامت، شماره ۱۶، صص ۲۷-۱.
- ۱۰) ثقفی، علی و مصطفی عرب مازار، (۱۳۸۹)، "کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶، صص ۱-۲۰.
- ۱۱) ثقفی، علی و مجید معتمدی، (۱۳۹۰)، "رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری بالا"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴، صص ۱۴-۱.
- ۱۲) حاجی‌حسینی، فرزانه، طاهای پرخنده و جدی، (۱۳۹۹)، "تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، حسابداری مدیریت، ۱۳(۴۴)، صص ۲۳-۴۱.
- ۱۳) حساس‌یگانه، یحیی، محمد مرفوع و نقدی، (۱۳۹۴)، "رابطه دقت پیش‌بینی سود با کارایی سرمایه‌گذاری"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۵۴، صص ۶۵-۴۵.
- ۱۴) حساس‌یگانه، یحیی، اسحاق بهشور و شکری کیانی، (۱۳۹۴)، "رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ موثر مالیاتی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۵۴، صص ۳۰-۱.
- ۱۵) خباززاده، محمد اسماعیل و آریتا جهانشاد، (۱۳۹۹)، "نسبت‌های سودآوری و ویژگی‌های مؤدیان در سیستم حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده مبتنی بر ریسک"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۴۶، صص ۱۶۱-۱۳۱.
- ۱۶) خدائی، محمد و منیره یحیایی، (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله حسابداری مدیریت، ۵، صص ۱۵-۱.
- ۱۷) خسروی، تانیا و جمشید پژوهش‌های، (۱۳۹۲)، "تأثیر مالیات بر شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با استفاده از رهیافت کرانه‌ها"، علوم اقتصادی، شماره ۲۵، صص ۱۲۱-۹۱.
- ۱۸) خسروی، تانیا و جمشید پژوهش‌های، (۱۳۹۲)، "تأثیر مالیات بر شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با استفاده از رهیافت کرانه‌ها"، علوم اقتصادی، شماره ۲۵، صص ۱۲۱-۹۵.

- ۱۹) رستمی، ولی زاده و وحید اسدزاده، (۱۳۹۶)، "بررسی تأثیر حقوقی مالیات بر سرمایه گذاری خارجی"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۳۳، صص ۱۶۵-۱۴۹.
- ۲۰) رضایی منش، علی اصغر، رسول چاوشی راد و مسکینی، (۱۳۹۵)، "نقش و تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر مالیات بر ارزش افزوده"، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- ۲۱) صامتی، مجید، سید کمیل طیبی و حاجی کرمی، (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر مالیات ارزش افزوده بر خالص صادرات و مقایسه ی تأثیر آن با مالیات بر شرکت ها در ایران و دیگر کشورهای آسیایی"، اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۳۵.
- ۲۲) علیزاده، محمد و معصومه مطلبی، (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر اندازه دولت در اقتصاد ایران (با استفاده از آزمون کرانه ها)"، مدل سازی اقتصادسنجی، شماره ۴، صص ۱۵۶-۱۳۵.
- ۲۳) کرمخانی، جواد، اکبر ویسمرادی و علی مدد، (۱۳۹۵)، "بررسی میزان کارایی جرایم مالیاتی در جلوگیری از فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده در بین مؤدیان مالیاتی استان ایلام"، دوفصلنامه علمی-پژوهشی حسابداری دولتی، ۲(۲)، صص ۳۶-۲۵.
- ۲۴) کریمی پتانلار، سعید و یاسر خطیبی، (۱۳۹۹)، "اثر مالیات بر ارزش افزوده بر ثبات اقتصاد بخش عمومی در ایران (با رویکرد ارتقای اخلاق و فرهنگ مالیاتی)"، اخلاق در علوم و فناوری، ۱۵ (۲)، صص ۷۰-۷۵.
- ۲۵) کرمی، غلامرضا، امیر فیروزنیا و حمید کلهرنیا، (۱۳۹۹)، "اهمیت کیفیت محیط داخلی در اجتناب مالیاتی"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۴۵، صص ۷۹-۴۷.
- ۲۶) محمودآبادی، حمید و سکینه رجایی، (۱۳۹۳)، "ارزیابی رابطه ی بین هزینه های نمایندگی و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه پژوهش های حسابداری، شماره ۳، صص ۱۸۵-۲۰۴.
- ۲۷) مهرانی، ساسان، غلامرضا کرمی، رام روز و حسینی، (۱۳۹۷)، "کاربرد مفهوم رجحان محتوا بر شکل در اجاره ها"، چالشی در حسابداری اسلامی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۹، صص ۶۳-۴۵.
- ۲۸) ناجی میدانی، علی اکبر، مجتبی میرزاپور و ذبیحی، (۱۳۹۷)، "بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر نرخ بیکاری در ایران"، همایش ملی مالیات بر ارزش افزوده: فرصت ها و چالش ها، مشهد، دانشگاه فردوسی
- 29) Allen, F. (2005), "Corporate Governance in Emerging Economies", Oxford Review of Economic Policy, 21 (2), PP. 164-177.
- 30) Alstadeter, A., Jacob, M., Michaely, R. (2017), "Do Dividend Taxes Affect Corporate Investment?", Journal of Public Economics, 151, PP. 74-83
- 31) Azmi, A., Sapiei, N.H., Mustapha, M.Z., Abdullah, M. (2016), "SMEs' Tax Compliance Costs and IT Adoption: the Case of a Value Added Tax", International Journal of Accounting Information Systems, 23, PP. 1- 13.

- 32) Becker, Bo, Jacob, Marcus, Jacob, Martin, (2013), "Payout Taxes and the Allocation of Investment", J. Financ. Econ. 107, PP. 1-24.
- 33) Bilal, N., Chen, S and Komal, B. (2014), "The Relationship between Internal Financing and Profit Quality", Journal of Business Research, Vol. 84, PP. 253-270
- 34) Brace A. Blonigen and Ronald B. Davies (2009), "Do Bilateral Tax Treaties Pro Promote Foreign Direct Investment? The Effects of Treaties on Foreign Direct in Investment", Oxford University press, New York, PP. 461.
- 35) Chetty, Raj, Rosenberg, Joseph, Saez, Emmanuel. (2007), "The Effects of Taxes on Market Responses to Dividend Announcements and Payments: What Can We Learn from the 2003 Dividend Tax Cut?", In: Auerbach, Alan J., Hines, James R., Slemrod, Joel B. (Eds.), Taxing Corporate Income in the 21st Century. Cambridge University Press, Cambridge, PP. 1-33
- 36) China, (2017), The International Journal of Accounting 52, PP. 27-44.
- 37) Chircop, J., Collins, W.D., Helgehass, L. (2016), "Accounting Comparability and Corporate Innovative Efficiency", Working Paper. The management School, Lancaster University.
- 38) Eichfelder, S., Schorn, M., (2012), "Tax Compliance Costs: a Business-administration Perspective", FinanzArchiv 68 (2), PP. 191-230.
- 39) Gosman, M., Kohlbeck, M. (2016), "Uncertainty for Managers and Value Added Tax", Journal of Management Accounting Research, Vol. 21, PP. 179-201.
- 40) Habib, A and Hasan, M. (2017), "Managerial Ability, Investment Efficiency and Stock Price Crash Risk", Research in International Business and Finance, Vol. 5, No. 25, PP. 221-245
- 41) Habib, S. (2015), "Taxing Teething Issues", the Star.
- 42) Hajduchova, I., Sedliacikova, M., Viszlai, I. (2015), "Value-added Tax Impact on the State Budget Expenditures and Incomes", Procedia Economics and Finance, 34, PP. 676 - 681
- 43) He, Y., Chen, C., Hu, Y. (2018), "Managerial Overconfidence, Internal Financing, and Investment Efficiency: Evidence from China", Research in International Business and Finance, 9, PP. 200-222.
- 44) Hubbard, R. (1988), "Financial Accounting Information and Corporate Governance", Journal of Accounting Economics. 31, PP. 237- 333.
- 45) Jason G. Cummins And Kevin A. Hassett. (1992), "The Effects Of Taxation On Investment: New Evidence From Firm Level Panel Data", National Tax Journal, Vol. 45, No. 3, PP. 243-51.
- 46) Ji, XU., Lu, W., Qu, W. (2013), "Investigate the Relationship between the Optional Disclosure of Weaknesses in Internal Control and Investment Efficiency: Evidence From
- 47) Kannaa, T. (2015), "GST: Post Implementation Issues", Tax Guardian. CTIM, PP. 32-37.
- 48) Lee, D.W., Kim, D.G., Borchering, T.E., (2013), "Tax Structure and Government Spending: Does the Value-Added Tax Increase the Size of Government?" Natl. Tax J. 66 (3), PP. 541-570.
- 49) Li, Z.L., Zhao, H.P. and Song, Y.F. (2012), "Impact of Value Added Tax on Capital Structure and Debt Maturity", Journal of Accounting Research, 33(3), PP. 101-40.
- 50) Lozano, M.B., Durán, R.F. (2016), "Family Control and Adjustment to the Optimal Level of Cash Holding", The European Journal of Finance, Vol. 52, No. 2, PP. 434448.
- 51) Lu, Y., Cao, Y. (2012), "Effect of Value Added Tax on Financial Performance", Pacific-Basin Finance Journal 51, PP. 75-94.
- 52) Palil, M.R., Ramli, R., Mustapha, A.F., Abu Hassan, N.S., (2013), "Elements of Compliance Costs: Lesson from Malaysian Companies Towards Goods and Services Tax (GST)", Asian Soc. Sci. 9(11).

- 53) Poretti, C., Schatt, A and Bruynseels, L. (2015), "The Relationship between Tax Avoidance and Investment Efficiency", *Journal of Accounting Literature*, Vol. 40, PP. 29-53.
- 54) Richardson, S. (2007), "Over-investment of Free Cash Flow", *Rev. Acc. Stud.* 11, PP. 159–189.
- 55) Samet, M and Jarboui, A. (2017), "How Does Corporate VAT to Investment Efficiency?", *Journal of Multinational Financial Management*, Vol. 40, PP. 33-46.
- 56) Shin, H and Park, Y. (2013), "Impact of VAT on the Type of Company Financing: Evidence from Korean 'Chaebols'", *Journal of Corporate Finance*, 5, PP. 169-191.
- 57) Zou, G., Shen, J., Gong, Y. (2018), "The Effect of Value-added Tax on Leverage: Evidence from China's Value-Added Tax Reform", *China Economic Review*, 6, PP. 100-125.

Abstract

<https://doi.org/10.30495/faar.2023.1950280.3422>

Investigating the Relationship between VAT and Consistency of Procedure, Uniformity and Substance over Form of Accounting Information

Sara Yousefzadeh¹
Ghodratollah Talebnia²
Jalil Beytari³

Received: 10 / July / 2023 Accepted: 29 / August / 2023

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between VAT and consistency of procedure, uniformity and substance over form of accounting information. The statistical population of this study includes VAT experts and specialists and experts of the Tax Affairs Organization and corporate taxpayers. 328 questionnaires were examined using questionnaires extracted by Likert scale Have been reviewed. Its validity was also assessed by Cronbach's alpha and Amos software was used to analyze the data. The results of the VAT relationship test with each of the independent variables separately indicate that all hypotheses have been confirmed with 95% confidence. The results of this study indicate a direct relationship between VAT and consistency of procedure, uniformity and substance over form of accounting information. The results indicate that having consistency of procedure, uniformity and substance over form of accounting information improves the quality of VAT accounting. These results can be used by the auditing organization, the tax administration, the managers and chief accountants, and the financial staff to conduct financial operations.

Keywords: VAT, Consistency of Procedure, Uniformity, Substance over Form

¹ Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Sarayousefzadeh72@gmail.com

² Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Corresponding Author. Talebnia@srbiau.ac.ir

³ Department of Accounting, Shahre Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Beytari@gmail.com

